

نتایج عملی آزادی خدمات بیمه‌گران در جامعه اروپائی

ترجمه: دکتر شیرین هشنودی

۱- منظور از این سخنرانی کمک به قانونگذاری در جامعه اروپائی نیست. بلکه موضوع صحبت من چگونگی سازگاری و انطباق جریانهای صنعتی است با آنچه تاکنون در زمینه بیمه ایجاد یا پیشنهاد شده است. هدف من از این سخنرانی، مخالفت ورد این عقیده نادرست است که می‌گوید صنعت بیمه در کشورهای عضو مشکلات واقعی بازار واحد را در نظر نمی‌گیرد، در عین حال تلاش خواهیم کرد تا از تضاد منافع که لازمه تمام جریانات قانون‌گذار است به دور بمانم. مضافاً از خود می‌پرسم که آیا بیشتر مباحثات جاری در مورد بیمه کمی بیش از حد جنبه تئوری و نظری ندارد؟ این واقعیتی است که خدمات مربوط به صنعت بیمه از ماهیت پیچیده‌ای برخوردار است - که مشخصه یک اقتصاد پیشرفته است - و همچنین این خدمات نامرئی هستند ولی همین واقعیت همیشه منتهی به بررسی‌ها و تعابیر گوناگونی از هدف و وظیفه بیمه شده است. به هر تقدیر، این بحث‌ها اخیراً شدت یافته است و علت آن ابتدا اختطاری از آن سوی کانال انگلستان به صنعت بیمه (منظور صنعت بیمه کشور انگلستان) است که بیدار شود و سپس به خاطر ملاحظات گوناگون درباره موضوع "سال ۱۹۹۰ به عنوان سال صنعت بیمه" به نقل از سرمقاله زورکر زیتوینگ^۲.

به علاوه ویژگی روش قانونگذاری در جامعه اروپائی و استفاده آن از رویه‌های مربوط به دستورالعمل‌های عمومی موجب ایجاد "دوره‌های سالیانه" قانونگذاری می‌شود. دستگاههای قانونگذاری جامعه اروپائی در

کشورهای عضومانی که این کشورها قانون را در مقررات ملی وارد می‌کنند ناچارند که تقریباً هر سال بارها به همان مسائل بازگردند و پیوسته با عقاید جدید و گاهی اوقات اصولی روبرو هستند که به شدت حس عدالت یک ملت را می‌آزماید و برخی اوقات نیز تمایل و آمادگی اعضای بازار در پیروی از قانون را مورد سؤال قرار می‌دهد. بهر حال میزان تمایل کشورهای عضو در اجرای قوانین متفاوت است. آنچه ضروری و درست است این است که فرصتهای اجرائی واقعی در سایر کشورها و الگوهای ذهنی ارزیابی در داخل و خارج کشورهای عضو جامعه اروپائی مطرح شوند. در حقیقت آزادسازی، اثری محرک بر آغاز نوعی مشاجره لفظی داشته است. اشارات ضمنی به "کاهش مقررات" مفهومی که به ویژه در ایالات متحده آمریکا توسعه یافت در این زمینه دور از دسترس است. کاهش مقررات، با کاهش ساختار مقررات حمایتی دولت، قوه ابتکار کارفرمایان را برمی‌انگیزد. بعضی از این مقررات نتیجه فشارهای کوتاه مدت و زودگذرند حال آن که سایر مقررات میراث قرن‌ها تجارت و دادوستد است. همچنین کاهش مقررات تا اندازه‌ای در جهت مخالف نظریه حمایت از مصرف‌کننده عمل می‌کند. به هر حال زمانی که در بخشهای مختلف فعالیت، مقررات حمایتی فنی، پزشکی، مالی و یا صرفاً "قانونی" کنار گذاشته می‌شوند و خسارتی واقع یا احتمال وقوع آن می‌رود، در این زمان نیاز به تجدید مقررات به فوریت پدیدار می‌شود. جهت جلوگیری از این امر، تخفیفی در شبکه خشن مقررات حمایتی غالباً با

ایجاد یک نظام معتدل با شبکه‌های منسجم همراه می‌شود .

برای اتمام مقدمه سخنرانی خود مایلم نظریه دیگری را اضافه کنم ، در طول این سخنرانی ، اهمیت یکسان به " همسایگی تحت قوانین بین‌المللی " (سوئیس ، اتریش ، کشورهای اروپای شرقی) و قراردادها و تأسیسات مافوق ملی به ویژه گات ، سازمان ملل متحد - آکتاد و (تا آنجائی که به جمهوری فدرال آلمان مربوط می‌شود) آمریکا (و رابطه ویژه با جمهوری دمکراتیک آلمان) داده خواهد شد . به‌طور اجمال ، تجزیه و تحلیلها و تشخیص وقایع مختلف به همان اندازه برای ما اهمیت دارد که برای کشورهای یاد شده .

نظریاتی که امروز اینجانب ارائه می‌دهم بطور کامل توسط منقدین صنعت بیمه مورد بررسی قرار گرفته و صنعت بیمه خصوصی نیز آگاهی کامل نسبت به آن دارد . تنها نکته‌ای که مستلزم یادآوریست اینست که تصویر خارجی این نظریات هماهنگی کامل با نظریاتی که تاکنون در خصوص تجارت ، توسعه یافته ندارد به ویژه با نظریاتی که اخیراً " در زمینه اقتصاد ملی نظری توسط افرادی گسترش یافته که معتقدند نظریه رقابت از "آزادسازی دستوری" جلوگیری می‌کند . بدین جهت در این سخنرانی سعی خواهم کرد چشم - اندازه‌های واقعی را در این زمینه روشن کنم .

اینجانب پس از ۳۳ سال تجربه در بیمه مقدماتی عملی و بیمه اتکائی از جانب هیچ انجمن یا بخشی از بازار صحبت نمی‌کنم و امیدوارم که حتی آموزش دانشگاهی‌ام نیز خللی در درک جنبه‌های عملی موضوعات مورد بحث وارد نیاورد .

پیش از بحث در خصوص واکنشهای بحرانی موجهی که ممکن است کشورهای عضو با شکل یک بازار بیمه مشترک مواجه شوند باید بگویم که معاهده رم از طریق تأثیر فوق‌العاده‌ای که در "آزادسازی" داشت و شالوده فرهنگی جهت گسترش معجزه اقتصادی آلمان را فراهم ساخت ، کمک زیادی به برانگیختن قوه ابتکار کشورهای

عضو در اقتصاد ملی‌شان کرد .

ذکر این نکته جالب است که در چهارچوب هدفهای عمومی قراردادی معاهده جامعه اقتصادی اروپا ، علاوه بر اتحادیه گمرکات و "هماهنگی و آزادسازی" ، هر شش عضو مؤسس در زمان الحاق به اتحادیه اقتصادی ، هدفهای کاملاً " سودمند و با اهمیتی را دنبال کردند . فرانسویها مشتاق بودند که صنعت زراعت خویش را بی‌نیاز کنند . در اینجا لزومی در بررسی این موضوع نمی‌بینم که آیا نظامهایی که امروزه به ما تحمیل شده‌اند با معاهده جامعه اقتصادی اروپا مطابقت داشته و یا هنوز دارد ؟ و این تطابق تا چه میزانست ؟ آلمانی‌ها اصولاً " در فکر بازاری آزاد برای تولیدات صنعتی خویش بودند ، ایتالیایی‌ها بیشتر به فکر صدور کارگر بودند و بعدها نیز ثابت شد که به نحو غیر متداولی در این کار موفق شدند . سه شریک کوچکتر در مرحله اول جامعه اروپائی یعنی هلند ، بلژیک و لوکزامبورگ نقش واسطه را در خط مشی مالی و تجارتي جامعه ایفا کردند .

الحاق بقیه اعضا - شش عضو دیگر - توسط سایر اعضای جامعه آشکارا به عنوان " مراحل جهش " آزادسازی قلمداد شد . ولی این الحاق تاحدی تأثیر اخیر را دربر داشت اگرچه ورود بریتانیای کبیر روشهای نوین و پراهمیت در صناعی که این کشور در آنها قدرت داشت مانند بانکداری ، کشتیرانی ، حمل و نقل هوائی و بیمه ارائه داد ، ورود اسپانیا که بلافاصله پس از خاتمه دیکتاتوری در این کشور انجام شد ، محرکی اقتصادی بوجود آورد که پیش از آن واقعاً " غیر ممکن می‌نمود در اینجا فقط به صورت گذری از مسائل ناشی از ورود سایر کشورها صحبت خواهم کرد . در هرحال ناچارم که اظهار عقیده مختصر و اساساً " مثبتی ارائه دهم زیرا تصاویر بدون زمینه غالباً " فاقد دورنگری و محتوی هستند .

۲- این سخنرانی نخست هدفهای واقعی در

قانونی است که دادگاه اروپایی در بعضی موارد با اجرای قانون آنتی تراست^۱ جامعه اروپایی از آن تخلف کرده است، وقایع پیش گفته شده به طور آشکار در شعار تبلیغاتی "نماینده در همسایگی زندگی می‌کند" نمایان است. اما با آزادی که به شرکتهای بیمه از نظر استقرار اعطا شد، رویه‌های بازار به طور اساسی به "شیوه اروپایی" تغییر نکرد. شاید یک یا دو جنبه از مقررات حاکم بر آزادی استقرار هنوز محتاج به تغییر است ولی محدودیتهایی نیز برای آنچه قانونگذاران می‌توانند در این زمینه انجام دهند وجود دارد. تحول مثبتی در این مورد انجام شده است. اینجانب مایل نیستم که با تلاش جهت پاسخ به سؤالات مربوط به تأثیر مقررات جامعه اروپایی بر کشورهای غیر عضو وانمود کنم که به همه قضایا آگاهی دارم به ویژه از نظر دادن در مورد سیاست اقتصادی خودداری خواهم کرد. به طور کلی سازمان توسعه همکاریهای اقتصادی (وابسته به سازمان ملل متحد) هنوز با ما است و گات نیز در بخش خدمات اقداماتی انجام می‌دهد که امیدوارم اقدامات مثبتی باشند. به نظر من، راه‌حلهای مربوط به کشورهای غیر عضو که بر اساس مقررات ملی مستقل قرار دارند اصولاً بر قانونگذاری از طریق معاهده‌های ناشی از قوانین بین‌المللی برتری دارند. تا این تاریخ به نظر می‌رسد افکار عمومی حاکم بر سایر کشورهای غیر عضو (نروژ، فنلاند، و ترکیه) نیز به این سوگرایش دارند. اعتقاد من بر این است که تطبیق قوانین یک کشور در چهارچوب آنچه ممکن و مطلوب است، یعنی تطبیق اختیاری، مؤثرتر است زیرا اتخاذ قانون بازار مشترک در یک ناحیه مشخص فقط می‌تواند انعکاسی از جریان توسعه باشد و من فکر می‌کنم که اتخاذ رسمی مقررات آتی - یعنی تطبیق قهری - مشکلات عمده و تازه‌ای ایجاد کند. البته در این خصوص مشکل کنش و واکنش‌های متقابل غیر قابل اجتناب است. شاید با در نظر گرفتن وسعت و نرخهای تولید بازار داخلی هر کشور در

موقعیتی را در نظر می‌گیرد که آزادسازی و کاهش قوانین موجب ظهور ناگهانی موجی از خدمات مالی شده است. در اینجا فکر می‌کنم که باید از نظریه‌های نیز سخن گویم و آن عبارت از این است که انگیزه آزادی استقرار شرکت، آزادی انتخاب محل تولید برای آن است منظور از آزادی تأمین خدمات در سراسر جامعه اروپایی این است که امکان بهره‌برداری از مزایای محلی تولید در ارتباط با مشتریان سایر بخش‌ها فراهم آید. در هر دو مورد، موانع تجارتي موجود در شرایط چهارچوب قانونی باید تا سرحد امکان از طریق قوانین هماهنگ‌کننده کاهش یابند. اما به سبب اینکه نفوذ شرکتهای رقیب بر شرایط محلی به ویژه مقررات اجتماعی و قوانین مالیاتی محدود است میدان برای رساندن اقتصاد به حد متناسب و مطلوب تاحدی کوچک می‌نماید. اگر این امکان برایم وجود داشت اولین شخص طرفدار این نظریه بودم که بازار خود به زودی موجب تعدیل و اصلاح نرخهای مالیاتی خواهد شد. به هر تقدیر، قانونگذاران ملی به راحتی حاضر به کاهش موانع نامساعد محلی برای شرکتهای خود نیستند اگر مقصود از این کار به مخاطره انداختن بودجه و کاهش مقررات اجتماعی باشد، بنابراین خود الگو، در عمل موجب مشکلات عظیم تری در مقایسه با تئوری می‌شود. البته در این زمینه، مساعی کمیته جامعه اروپایی مورد تأیید همگانست ولی هماهنگی نیز محدودیتهای خویش را داراست به ویژه به سبب اختلافات موجود در فرهنگ قانونی، حس عدالت و میزان آمادگی کشورهای عضو جهت رعایت قوانین.

در زمینه حرفه واقعی بیمه، نخست مشاهده می‌کنیم که از بین بردن محدودیتهای مربوط به آزادی استقرار شرکتهای اصولاً به نحوی بوده است که واقعیتهای صنعت بیمه را نشان داده و موجب پیوستگی بیشتر بازارها شده است. واقعیتهای روانی کلی فروشی نیز از طریق مطیع نمودن شعبات از قانون کشور محل فعالیت مورد توجه قرار داده شده است - این همان

در نظر بگیریم. به علاوه، این نظریه که خطرات بزرگ می‌بایستی توسط شرکتهای بزرگ و خطرات متوسط توسط شرکتهای متوسط و خطرات کوچک توسط شرکتهای کوچک جبران شود مناسبتی ندارد. مؤسسات بیمه انکائی، به ویژه، می‌بایستی به این مسئله علاقمند باشند. این عقیده که نیازهای بیمه به خوبی توسط مؤسسات بیمه انحصاری بیمه تأمین خواهد شد فقط به صورت نظری درست است. این گروه فقط پیشینیان و اجداد شرکتهای دولتی متحدالشکل خواهد بود. در این زمینه ما یلم آخرین نظریه را در مورد آزادی استقرار شرکتهای حتی در وضعیت کاهش قوانین که قبلاً نیز ذکر کردم ارائه دهم. یک مزیت نظام آزادی استقرار شرکتهای اینست که نظارت بر حرفه بیمه بر طبق اصول متحدالشکل شرکتهای داخلی و خارجی و برای کلیه انواع "توزیع" آسانتر می‌شود. این تاحدی به معنای شفافیت بازار و قابلیت مقایسه قیمتها با قیمت بازار آزاد نیز هست همچنین آزادی استقرار شرکتهای نیاز دارندگان بیمه‌نامه را به حصول اطمینان از سند بیمه در بیشتر کشورها - نه در تمام کشورها - از طریق نماینده محلی بیمه تأمین خواهد کرد. اما منظور از آزادی استقرار شرکتهای یک بازار متحدالشکل با الگوی وسیع رقابت نیست.

۳- صنعت بیمه احتمالاً "انتظار تصمیم غیرمنتظره دادگاه اروپائی را نداشت که به وسیله چهار حکم مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ خود زمینه جدیدی برای رفع محدودیتهای مربوط به آزادی خدمات گشود. شاید بتوان چنین گفت که صنعت بیمه لااقل انتظار یک تصمیم شدید را نداشت.

این نظریه برای سالها پایدار ماند که درجات مختلفی از نظارت برای کار عمده فروشی و یکجافروشی مورد نیاز است و علت آن - حتی با تفسیری از قانون فعلی ناظر بر این حرفه‌ها - در حقیقت ماهیت متفاوت و ذاتی آنهاست. مقررات متفاوت حاکم بر حرفه‌های

مقایسه با جامعه اروپائی، راه‌حل‌های سیاسی متضمن اعطای میزان محدود و - در بعضی موارد - بیشتری از معاملات متقابل سمبولیک باشد. گزارشاتی که معمولاً در "نیوزورکرزیتونگ" در مورد سوئیس و جامعه اروپائی منتشر می‌شوند به ویژه در این مورد قابل ملاحظه‌اند. البته مؤسسات مستقلی که به صورت مؤسسات وابسته شرکتهای مادر غیر عضو جامعه اقتصادی اروپا فعالیت می‌کنند به هیچوجه تا به حال مشمول مقررات جاری نبوده‌اند و در نتیجه مشکلاتی که به قانون ناظر بر بیمه مربوط می‌شوند هنوز در این خصوص دارای اهمیت هستند. به عنوان مثال علاوه بر مسائل استقرار، خدمات و شرکتهای وابسته، در حال حاضر شرکت اروپائی دومین "برداشت فرهنگی" مورد بحث است. این شرکت بر اساس قوانین جامعه اروپائی عمل می‌کند و با شعبات آن در خارج از جامعه اروپائی همان رفتاری می‌شود که با شرکتهای کشورهائی که در آنها دایر هستند به صورتی که می‌توان گفت خط مستقیمی به کل جامعه اروپائی ایجاد کرده‌اند. این مفهوم جدید احتمالاً توجه خاص دولت‌های آلمان و انگلیس را جلب خواهد کرد. اما در عین حال ممکنست الگوی مورد بحث، محدودیت بنیادی جهت رقابت سایر انواع شرکتهای ایجاد کند به طوری که سخنران تردید فوق‌العاده‌ای در خصوص شرکتی اروپائی از نوع پیش گفته شده دارد اگرچه در بعضی موارد، الگوی مزبور تشکیل دسته‌هائی از شرکتهای وابسته ملی را غیرضروری می‌کند.

در این رابطه باید گفت که حفظ ساختارهای بازار (شرکتهای بزرگ، متوسط و کوچک) دارای اهمیتی بیش از آنچه تا بحال مسلم فرض شده است می‌باشد. ضمناً تا آنجائی که من اطلاع دارم مسئله تشکیل گروه ناظر بر شرکتهای برای مجامع بیمه مشترک حل نشده است و تنها یک مورد استثنائی در فرانسه وجود دارد و آن هم در صورتی که حق انتخاب خود مؤسسه مشترک را به عنوان مؤسسه مادر شرکتهای محدود

که وجود مقاطعه‌کار در الگوی نظری لازم است در صورتی که از تشبیه خریدار بیمه با فردی که عموماً " مایل و قادر به تأمین و نگهداری اطلاعات و همچنین مقایسه قیمت‌ها و محصولات است اجتناب کنیم. بدین ترتیب عدم رعایت مسأله هزینه "یابنده" به راحتی میسر است. حتی مجلات اقتصادی نیز بطور کامل این خلأ را پر نمی‌کنند. به هر صورت، مقاطعه‌کاران ذیصلاح به تعداد کافی در تمام کشورهای عضو موجود نیستند. در این خصوص، جریان مداوم تمرکز در بخش مقاطعه‌کاری لازمست مورد توجه قرار گیرد. تجربه شرکت‌های بیمه عهده‌دار فروش مستقیم، به ویژه در زمینه بیمه عمر نشان می‌دهد: بازارهای بالقوه بیمه که در این زمینه "مشخص‌کننده" اند، در حال حاضر از وسعت زیادی برخوردار نیستند. درآینده، درباره مسئله اطلاعات باید بیشتر صحبت کرد.

همانطوری که ذکر شد، در الگوی مورد بحث مقاطعه‌کاران بیمه‌وظیفه‌ای اساسی به عنوان "دستیاران تحقیق" برای مصرف‌کنندگان بیمه دارا می‌باشند. در بازاری که بطور روزافزون متراکم می‌شود، فروش بیمه - توزیع توسط شرکت - دارای نقشی است اساسی‌تر از آنچه در گذشته داشته است. این نظریه - اگرچه فقط به صورت پراکنده حفظ شده است - که توزیع (به شکلی که گفته شد) به فرض عرضه بیشتر، هزینه کمتری دربردارد دارای یک عیب اساسی است. به نظر سخنران، هزینه‌های توزیع گرایش بیشتری به طرف افزایش دارد تا کاهش و علت آن موقعیت مهم دستگاه‌های توزیع کننده بیمه است. امید می‌رود واژه‌هایی که به گروه‌بندی مقاطعه‌کاران به عنوان "دستیاران تحقیق" خریداران بیمه و عاملان بیمه به عنوان "دستیاران توزیع" بیمه‌گر - معروف به عاملان مقاطعه - کار می‌پردازد درآینده کمتر شوند. بطوری که می‌دانیم در کشور انگلستان، عاملان مزبور، براساس قانون خدمات ملی، گروهی غیرقانونی محسوب می‌شوند. در مفهومی وسیعتر آنچه گفته شد شامل مواردی که

یاد شده، نشان دهنده سازش بین حمایت از مصرف‌کننده در مفهوم محدودتر یعنی "حمایت از مصرف‌کننده از طریق قانون" و "حمایت کلی از دارنده بیمه‌نامه از طریق رقابت" است. برطبق فلسفه مجریان معاهده رم، به حمایت قانونی از مصرف‌کننده صورتی موقت داده شد.

در اینجا مقصد من برگشت به مسئله ارزشهای پایه‌ای نیست اگرچه باید متذکر شوم که در صحنه واقعی تجارت، رعایت حدود همیشه مسلم نیست و نظارت مقامات ناظر به ویژه مشکل است. در همین جاست که مشکل چندگانگی آزادی خدمات (نامی که برای آن انتخاب کرده‌ام) پدیدار می‌شود. چندگانگی خلاق هنگامی که مسائل به مرزهای نهائی کشیده می‌شوند بصورت یک مشکل درمی‌آید.

اما این فقط جزء کوچکی از مشکلات واقعی ناشی از فعالیتی است که دکتر والتر دیل^۷ آن را به عنوان فعالیت "بیمه‌گر غایب" توصیف کرد. نظریه بسیار نافذ رقابت، به عنوان مثال، قادر به شناسایی این مطلب نیست که نه تنها آگهی و انعقاد قراردادها بلکه بیشتر از همه مقررات فعلی خدمات بیمه با مسأله رقابت ارتباط دارند. مصرف‌کنندگان، همانند خریداران عمده پوشش بیمه به چگونگی رفتار بیمه‌گر در صورت اقامه دعاوی و یا انقضای مدت، آگاهی کامل دارند و بر همین اساس درباره او داوری می‌کنند. الگوی تنظیم‌کننده که پس از اعمال اصل اکثریت آراء در شورای وزیران به تصویب رسید به وضوح دارای اهیتی منطقی برای حرفه‌های خدماتی آزاد است. اما اینکه آیا الگوی مورد نظر از لحاظ هزینه به اندازه کافی جالب هست؟ و آیا اختیارات متعادل و کافی به نفع مشتری جهت حل و فصل دعاوی باقی می‌گذارد؟ مسائلی هستند که می‌توان به بحث درباره آنها پرداخت. این مسأله که الگوی مزبور فقط یا اصولاً، نفع مقاطعه‌کار بیمه را در نظر می‌گیرد انتقادی اغراق‌آمیز است. البته منطقاً این ایراد دیالکتیک وارد است

مقاطعہ کاران، به طور آشکار یا نهان، در کنترل شرکتہای بیمہ هستند نیز می شود.

در اینجا مایلیم موضوعی را به بحث بگذارم و آن عبارتست از این کہ: برگزاری امتحانات ویژه جهت آموزن دانش حرفہای مقاطعہ کاران به عنوان گروهی خاص از واسطہ ہا برای آنها مفید است. تجربہ ہلند درستی این موضوع را اثبات کردہ است. در جمہوری فدرال آلمان تلاش زیادی جهت برقراری نظام عمومی آموزش حرفہای برای واسطہ ہای بیمہ بہ عمل آمدہ است. اگر میزان بالای دانش تخصصی مربوط بہ خطرات فنی و همچنین خطرات صنعتی بہ طور اعم را در نظر بگیریم و نیز اہمیت جلوگیری از خطر در محتوای مدیریت خطرات را مورد توجہ قرار دہیم، توسعہ بازار مقاطعہ کاری حتی در این مورد، عبارتست از تضعیف تماس فوری بین بیمہ گر و دارندہ بیمہ نامہ برای خطرات بزرگ و عمدہ.

این نظر کہ روند مزبور بہ مثابہ یک نوع تحمیل است سزاوار مطالعہ دقیق تر است زیرا براساس نظر مزبور، در مقایسہ با مرحلہ صدور سند بیمہ و قبول تعہد، باید در جستجوی ابزاری مؤثرتر جهت مدیریت خطرات باشیم. مقاطعہ کار در زمینہ جلوگیری از خسارت می بایستی تعہد بیشتری تقبل کند زیرا نفع شخص بیمہ گزار ایجاب می کند کہ با ذخیرہ مالی در طول زمان، سرمایہ گذاری برای جلوگیری از خسارت را جبران کند حال آنکہ مقاطعہ کار چنین نفعی ندارد. این موضوع در خصوص نفع شخص بیمہ گر نیز معتبر است زیرا بیمہ گر سعی خواهد کرد کہ ہزینہ ہای ناشی از بروز دعاوی را تا سرحد امکان بہ حداقل برساند. این مباحثات کہ بازتاب نیازمند بہای حرفہ است بہ مشکلی بہ نام تراکم نیز گسترش می یابد. منع تراکم، در اصل، بدین معنی است کہ بیمہ گر جامعہ اروپائی کہ حضور دائمی در یک کشور عضو بہ عنوان یک شعبہ یا نمایندگی واقعی از یک رشتہ نمایندگی دارد باید بہ طور رسمی نیز شعبہای دایر کند. این

موضوع در خصوص دفتری کہ فقط توسط یک شخص ادارہ می شود نیز صادق است اگرچہ شخص مزبور مستقل ولی برطبق دستور بہ عنوان نمایندگی برای شرکت بیمہ عمل کند. اصولاً "ہرکسی کہ شعبہای در کشوری تأسیس کردہ باید حرفہ خود را از طریق این شعبہ در کشور مزبور انجام دہد. بہ علاوہ این شخص مجاز بہ آزادی کامل در خدمات بیمہ نیست (تراکم مجاز نیست). درجات متفاوتی از شدت منع تراکم قابل تصور است. در اینجا موارد استثنائی کاری نداریم. بہ ہر صورت الزامی ندارد کہ تفسیر محدودکنندہای از مفہوم نمایندگی بہ کار بریم تا بہ راه حل ہائی دست یابیم کہ منع تراکم را تضعیف می کند. نظریہای کہ در اینجا مورد انتقاد فرا می گیرد اینست کہ: "یک عامل بیمہ ہنوز بہ خودی خود یک نمایندگی نیست" و این مسألہ بدون شک نقطہ ضعف کل الگوی تنظیم کنندہ است بہ همان گونه کہ رعایت منع تراکم بیمہ گران نقطہ ضعف بہ شمار می رود مشکل دیگری کہ ممکن است با آن مواجہ شویم مشکل تراکم در ارتباط با ہمہ انگی بیمہ اجباری شخص ثالث صاحبان وسایل نقلیہ است کہ از دیدگاہ دادگاہ اروپائی در دومین دستورالعمل ہمہ انگی در خصوص دعاوی مطرح شد.

سؤالی کہ پیش می آید اینست: آیا دفتری کہ آزادانہ بہ کار جبران خسارات ناشی از خطرات پذیرفتہ شدہ می پردازد موقعیتی ایجاد می کند کہ نیاز بہ تأسیس شعبہ را پدید آورد؟ یا اینکہ وضعیتی بوجود می آورد کہ متضمن روش دوگانہ و غیرقبولی است. این پرسش در خصوص دفاتر حل و فصل دعاوی نیز مطرح است. این دفاتر برطبق راهنمایی های بیمہ گر بہ نحو کم و بیش مستقلی بہ حل و فصل دعاوی پرداختہ و یا در صورت نیاز درخواست صدور دستورالعمل می کنند. دفاتر مزبور براساس دستور عمومی جامعہ اروپائی در مورد بیمہ قانونی، بہ عنوان ابزاری جهت جلوگیری از تباہی بوجود آمدند. سؤالی کہ مطرح می شود اینست: آیا دفاتر جلوگیری از خسارات کہ برای بیش از یک

که با انجام حرفه به نحو پسندیده سازگار است معمولاً" دقیقتر و صریحتر تعریف می شود.

آنچه گفته شد دقیقاً "رویدادها نیست که در مرحله فعلی توسعه بازار مشترک در جریانند و بدین ترتیب - همانطوری که قبلاً" بیان شد - کسی در انتظار سال ۱۹۹۲ جهت شروع مقررات و اقدامات نیست. قانون آنتی تراست - که برطبق رأی دادگاه اروپائی در تاریخ فوریه سال ۱۹۸۷ در مورد شرکت‌های به ثبت رسیده در یک کشور غیر عضو نیز قابل اجراست - با مشکل بسیار ویژه‌ای در خصوص ارتباط بین قانون جامعه اروپائی و قانون ملی روبروست. موضوع سخنرانی فعلی، آنتی تراست بیمه نیست، اما باید به وابستگی مقررات تنظیم‌کننده "شرایط عمومی بیمه" توجه کرد یعنی تأیید و نظارت از یک سو و ارزیابی شرایط بیمه براساس قانون آنتی تراست از سوی دیگر.

در این مورد، نظریه‌سازان رقابت اقتصادی براین عقیده تأکید دارند که وظیفه حمایتی شرایط تعیین شده دولتی تا حدود زیادی توسط رقابت جایگزین شده است. بنابراین در این مورد نیز نظر غالب اینست که نباید اجازه داد خلاء ایجاد شده با کاهش قوانین به دست "کارتل‌ها" بیفتد، اگر بتوان چنین عبارتی را به کاربرد دست‌اندرکاران قدیمی تردید دارند که نیروهای ترمیم‌کننده بازار به تمام شکافها و زوایای آن گسترش یابند یا اینکه مقاطعه‌کاران با توجه به "شرایط عمومی بیمه" در حرفه یک جافروشی، نقشی حمایتی به نفع مصرف‌کننده ایفا کنند. بنابراین آنها مدافع استفاده بیش از حد از امکانات ایجاد شده در "دومین دستور هماهنگی" برای حرفه یکجا فروشی هستند یعنی آن امکاناتی که به حفظ یا تأیید مجدد شرایط مربوط می شوند. درخواست حذف گروهها براساس قانون آنتی تراست، علاوه بر معاهده بیمه اتکائی و بیمه مشترک^۸ به ویژه شامل "شرایط عمومی بیمه" می شود. نظامهای حمایتی کشورهای عضو نسبت به "شرایط عمومی بیمه" یکسان نیستند، اگر آزادی

بیمه‌گر (بیش از یک گروه) فعالیت می‌کنند را باید به روشی متفاوت از دفاتر حل و فصل نمایندگان تجاری مورد قضاوت قرار داد؟ به علاوه براساس قانون ناظر بر بیمه آلمان این مسأله مطرح می‌شود که آیا این امر کنار گذاردن وظیفه‌ای نیست - موردی که به قانون ناظر بر بیمه مربوط می‌شود - که حل و فصل دعاوی را به عنوان یک فعالیت اساسی برای بیمه‌گر تعیین می‌کند. سرانجام، مسائل مربوط به قانون آنتی تراست برطبق بند ۸۵ معاهده جامعه اقتصادی اروپا ممکنست در مورد دفاتر حل و فصل که توسط چندین بیمه‌گر اداره می‌شوند مطرح شوند. در این خصوص نیز دو سؤال پیش می‌آید: آیا شعبه مقاطعه‌کار بیمه که به عنوان "دستیار تحقیق" خریدار بیمه میانجیگری می‌کند ولی مجوز حل و فصل دعاوی از طرف بیمه‌گر را در دست دارد شعبه‌ای از بیمه‌گر محسوب می‌شود؟ چگونه باید به داوری درباره این مقاطعه‌کار فنی پرداخت که به وسیله وکالت‌نامه‌ای از طرف بیمه‌گر اسناد را امضاء می‌کند. مقاطعه‌کاران بیمه طبیعتاً "معتقدند که آنها شعبات بیمه نیستند. در این خصوص تردید وجود دارد. انجام حرفه بیمه بیش از همه به این امر بستگی دارد که چگونه "دومین دستور العمل هماهنگی در خصوص دعاوی" در قوانین ملی ترکیب می‌شود به ویژه چگونه حق رأی اعطائی به کشورهای عضو در ارتباط با DLF مورد استفاده قرار می‌گیرند

۴- هماهنگی (در محتوای فرصتهای خدماتی مورد بحث) و کاهش قوانین یعنی آزادسازی از جمله هدفهای عمده معاهده رم هستند. در الگوی نظری و همچنین از دیدگاه صرفاً "عملی، آزادسازی و خارج کردن دولت از شرایط چهارچوب قانونی جهت فعالیت اقتصادی موجب تجدید نظر در شرایط رقابت و غالباً" تشدید آنها می‌شود. هدف اینست که از جایگزینی مقررات دولتی توسط کارتل‌ها جلوگیری و با هرنوع گسترش رقابت به طور غیرعادلانه مبارزه شود. رفتاری

انتخاب قانون که شخص مایل به پیروی از آنست اعطا شود، ظفره رفتن از آن نیز میسر است. در خصوص ارتباط بین قانون ضد تراست جامعه اروپائی و مقررات ملی که محدودیتهای رقابت را ممنوع می‌کند کافی است متذکر شویم که موضوع مورد بحث، برتری محض و یا فقط نسبی قانون جامعه اروپائیست بخش‌های محلی بازار مشترک داخلی ظاهراً "همچنان توسط قوانین ملی آنتی‌تراست اداره خواهد شد و ماهیت متنوع این قوانین عامل تعیین‌کننده در مورد این موضوع است که تا چه حد امور تجارتي که قوانین مزبور ناچاراً ایجاد می‌کنند قابل تشخیص‌اند.

نظارت بر ادغام شرکتها، مکان ویژه‌ای در مقررات قانونی حاکم بر رقابت داراست. شرکت‌های بهم پیوسته، اگر توانائی تسلط بر یک بازار را داشته باشند که معمولاً برای این کار تلاش می‌کنند، مواجه با موانع قانونی خواهند شد. الگوی تنظیم‌کننده اساساً "وسایل کنترل قبلی دولت را فراهم می‌کند، مقصود لزوم تأیید دولت است که اشکال گوناگون دارد. بدین ترتیب، شرکت‌های بزرگی که توسط حکم قانونی تأسیس شده‌اند برای ورود به بازار با مانع روبرو می‌شوند یعنی تحصیل مجوز در این مورد مشکلتر است. زیرا شرکت‌های بزرگ از یکسوا بازار سیاست صنعتی دولت‌ها را تشکیل می‌دهند (سیاست تداخلی برای رونق اقتصاد ملی) اما از سوی دیگر به دلیل محدود کردن رقابت در بازار واحد داخلی مورد انتقاد قرار می‌گیرند. معیار نفع عمومی در این جا از اهمیت زیادی برخوردار است.

نکته دیگر آنکه "وسعت بحرانی" دارای معانی متفاوت است و بستگی به این دارد که از بخش بازار ملی صحبت می‌کنیم یا بازار داخلی جامعه اروپائی یا حتی بازار جهانی. مقررات آتی جامعه اروپائی نه تنها وظیفه بسیار جالبی را بنیاد نهاده است بلکه متضمن حکمی قانونی است که برای شرکت‌های کشورهای عضو و بدین ترتیب اقتصادهای ملی اهمیت فوق‌العاده دارد. در رابطه با این موضوع این نتیجه‌گیری مطرح

است که نه فقط کشور "اداره‌کننده" شخصاً شرکت‌های بزرگی دارا می‌باشد و یا اخیراً "ایجاد کرده است بلکه مکانیسم "جانشینی مدیریت و کنترل شرکتها"، به طور دوستانه یا خصمانه، این مسأله حاد را به وجود می‌آورد که دقیقاً "در چه نقطه‌ای آزادی مورد سوء استفاده مدیریت جدید قرار می‌گیرد به اضافه مسأله تسلط بر بازار که باید در کلیه موارد جانشینی مدیریت و کنترل مورد بررسی قرار گیرد. نکته نهائی در مورد مقررات رقابت که باید در مقررات جامعه و زمانی که یک بازار مشترک وجود دارد رعایت شود اینست، تاکنون مفهوم دامپینگ به صورت رضایتبخشی در مورد حرفه بیمه توصیف نشده است و در صورت بروز خسارات زیاد، حدود قابل قبول بودن قیمت جهت نفوذ بر بازار از طریق دامپینگ مشخص نمی‌باشد.

۵- در ارتباط نزدیک با مسائل پیچیده‌ای که مطرح شد آزادی اعطا شده در حرفه عمده فروشی است که بتوان قانون نافذ برای شرکتها را آزادانه انتخاب کرد. در اینجا منظور حق انتخابی است که به طرفهای قرارداد جهت انتخاب آزادانه قانون معتبر ملی در ارتباط با سیاست بیمه انفرادی واگذار می‌شود. بدین سان نظریه‌ای که در حقوق بین‌الملل خصوصی (مقررات حاکم بر تضاد قوانین) توسعه یافت در عمل نیز اجرا می‌شود و به موجب آن در درجه اول اراده طرفین قرارداد عامل تعیین‌کننده نوع قانون حاکم بر قرار داد است. پیشگویی اینکه موضوع چگونه در عمل توسعه خواهد یافت آسانست. ابتدا، توصیف قانون ملی نافذ و غیرقابل ترمیم مشکل می‌شود. مقاطعه‌کار و بیمه‌گر بر مقررات عملی نفوذ خواهند کرد. اما اعطای آزادی انتخاب قانون نافذ و قابل اجرا، راه چاره و درمانی نیز ایجاد می‌کند که اصولاً "سرمشأء آن منطق است و علیرغم فقدان هماهنگی در مقررات قرارداد بیمه، جهت اجتناب از موارد تبعیض طرح ریزی شده است. در اینجا نیز به انتقاد از میزان هماهنگی

یا بخش‌های فرعی آن، چنین صندوق‌هایی که به ویژه در آمریکا رایج هستند در صنعت بیمه بسیار بحث‌انگیزند زیرا شرکت‌هایی که مدیریت درستی دارند ناچارند که نه تنها مسئولیت "شرکت‌های بداقبال" بلکه بدهی شرکت‌هایی با مدیریت نادرست را نیز تقبل کنند. در این خصوص مسائلی همچون تأثیر صندوقها بر تجارت یعنی قدرتهای نظارتی صندوق مطرح خواهند شد و پس از آن مسائل مزبور جایگزین وظیفه حمایتی و تداخلی دولت می‌شوند.

۷- آنچه باقی می‌ماند نظریه‌های پایانیست، در اینجا سعی شد تا عمداً "از مداخله و ارائه پیشنهادات در زمینه مراحل قانونگذاری که در حال حاضر به‌طور کامل جریان دارند اجتناب شود. حتی توضیح کلی مشکلات قانونی نیز از بحث ما خارج خواهد بود. همان‌طور که گفته شد موضوع مورد بحث من، اهمیت مقررات در انجام حرفه بیمه است.

حرفه بیمه در ابتدا شامل بیمه عمر می‌شود که بدین مناسبت "دومین دستورالعمل هماهنگی با روشی معین بر پایه دستورالعمل بیمه حوادث مربوط به آن تهیه شده است. این موضوع که آیا و در بعضی موارد، درجه بخششهای امکان اجرای اصل مملکت محل ثبت شرکت یعنی نظارت توسط مقام کشور محل ثبت وجود دارد مورد توجه قرار گرفته است. تفکیک ساده بین حرفه یکجا فروشی و عمده فروشی است که تابع اصل کشور محل ثبت شرکت خواهد بود. زیرا در این خصوص بحاست ارزشهای پایه‌ای را ملاک قرار ندهیم. ولی حتی بیمه‌های گروهی بیشتر از حوزه حمایتی خطرات انبوه گسترش نمی‌یابند به جهت آنکه در اکثر موارد دارندگان بیمه‌نامه لازمست در مقابل خطرات انبوه مورد حمایت قرار گیرند. مسائلی نیز در مورد مفهوم استقرار شرکت در ارتباط با رأس گروه بیمه‌گران مطرح است. جالب است که مقاطعه‌کاران در حال حاضر آگهی‌هایی در بخش بیمه گروهی انتشار

نخواهم پرداخت و صرفاً" به تشریح آن مبادرت خواهم کرد جمله "هیچ بی‌عدالتی در مورد طرف موافق واقع نخواهد شد" در اینجا معتبر است و به عبارت ساده‌تر منظور اینست: "کسی که خود قانون نافذ و معتبر خویش را انتخاب کرده تبعیضی در مورد او اجرا نخواهد شد".

اجازه بدهید که در این مرحله شرح مختصری بدهم: همه می‌دانند زمانی که فرد یک نظام قانونی خارجی را انتخاب می‌کند در اجرای قانون با خطرات بیشتری روبرو می‌شود. خطرات جاری به میزان زیادی افزایش می‌یابند. بنابراین من معتقدم که در آینده قراردادهای حکمیت - یعنی توافق‌های قراردادی دایر بر اینکه هر مشاخره قانونی باید توسط دادگاه داوری حل و فصل شود - در ارتباط با دادخواست‌هایی که علیه بیمه‌گران جهت پرداخت مطرح شده‌اند دارای اهمیت خاصی خواهند بود. بحاست رویه‌های رسیدگی و تجربه شده و رویه‌های کمکی مورد بررسی قرار گیرند مقصود رویه‌های حکمیت است که در ورای رویه‌های جاری گسترش می‌یابند.

۶- بحث جامع ما هنوز نیازمند یک عامل اساسیست. همان‌طوریکه آگاهید نقطه شروع برای ایجاد یک قدرت نظارت بر بیمه نظریه حمایت از دارنده بیمه‌نامه به عنوان بستانکار حق بیمه است که غالباً در مدت زمانی طولانی تأمین می‌شود. از این رو مقامات ناظر ممکنست نظریه حمایت در مقابل بدهکاران را تحت تأثیر جریان حمایت از مصرف‌کننده قراردادده باشند. اگر با کاهش قوانین، حمایت از بستانکاران از بین رود یا کاهش یابد مسأله "جایگزینی نظارت" مطرح می‌شود.

در حال حاضر که نظریه بیمه اتکائی اجباری به عنوان بیمه‌ای که مناسب یک بازار آزاد نیست به کنار گذارده شده گمان می‌رود که راه‌حل در صندوق تأمین ورشکستگی باشد یعنی ضمانت دسته جمعی توسط صنعت

می دهند. در اینجا باز هم باید به مسأله لاینحل هماهنگی نظامهای مالیاتی توجه شود.

آنچه در مورد بیمه عمر اهمیت فوق العاده دارد دستورالعمل مربوط به جریانات سرمایه‌های مورخ ژوئن ۱۹۸۸ است که محدودیتها را از میان برداشت بدین - سان انتقال حق بیمه، و خدمات بیمه عمر رسماً "آزاد شده است. فهرست نامه تعاریف که به نام صورت اسامی جریانات سرمایه موسوم و پیوست دستورالعمل می باشد نیز دارای اهمیت است.

از واژه "خدمات مالی مرکب" نیز سخن رفت که در کشورهای ما در این مورد گفته‌ها و نوشته‌ها بسیار است. من نیز مانند پیرموسی^{۱۱} که اخیراً "CBA" را مخاطب قرار داد معتقدم که از کنترل شرکتهای بیمه توسط بانکها و برعکس کنترل بانکها توسط شرکتهای بیمه باید اجتناب شود. تأسیس یک شرکت مالی مادر جهت کنترل هر دوی آنها به نظر می رسد منطقی باشد. ترکیب محرهای توزیع و ایجاد محصولات مرتبط نقشی اساسی ایفا می کند.

در پایان این سخنرانی، احتمالاً "نظر اینجانب را در مورد بازارهای وابسته ملی جامعه اروپائی پس از تکمیل و اجرای اقدامات قانونگذاری خواستارید آیا معاملات بدون شعبات ملی خدماتی به میزان قابل توجه وجود خواهند داشت؟ ابتدا من معتقدم که در مورد کار عمده فروشی که در دو مرحله انجام می شود - این نوع توزیع به صورت نمونه در خواهد آمد. البته ممکن است جزئیات مقررات بسیار پیچیده شود بطوری که مشتریان وحشت زده شوند. از سوی دیگر، مشتریان که ابتدا مجذوب معاملات خدماتی محض شده اند ممکن است پس از گذشت مدت زمانی نظرشان برگردد. این روند بستگی دارد به: میزان خطرات، امکان عملی برای گروههای اقتصادی که پوشش جامع و واقعا "روشنی بر اساس DLF داشته باشند، نحوه قیمت گذاری و اجرای تسویه حسابهای بیمه گران و همچنین وظیفه مقاطعه کاران، با توجه به این امر، من معتقدم جریاناتی

ایجاد خواهند شد ولی تغییرات بزرگ و ناگهانی به وقوع نخواهند پیوست.

اینجانب نظر متفاوتی از حرفه یکجا فروشی دارم، اگر شخص تأکید بسیار زیادی بر معاملات خدماتی محض داشته باشد آن وقت به کل اساس اطمینان در حرفه بیمه لطمه خواهد زد. به نظر من، یک فرد معمولی نهایتاً "احساس راحتی بیشتری با بیمه گر همیشگی خود خواهد کرد. در این خصوص مسأله پیش گفته شده "شرایط عمومی بیمه" نقش مهمی همانند رویه فعلی محاکم دارد. با وجود این چنین پیش - بینی هائی قابل اعتماد نیستند به ویژه اگر برای بیش از چند سال آینده ادامه یابند. برخلاف اقتصاد نظری که فرض می کند مصرف کننده به نحو منطقی عمل می کند در بازار انبوه که روانشناسی توده حکم - فرماست اعمال غیر منطقی مأخذ و میزاند.

در خاتمه باید برای نخستین بار مسأله سیاستهای موسوم به بیمه خارجی - داخلی را مطرح کنم. این سیاستها نه تنها پیشنهاداتی به شکل نامه یا توسط وسائل ارتباطی الکتریکی یا الکترونیکی به ابتکار شخص متقاضی جهت بیمه شدن هستند بلکه سیاستهایست که شخصاً "اتخاذ می شوند. نظریه این است که اگر شخصی، دانسته، از حمایت کشورش به روشی که تشریح شد صرف نظر کند چنین حمایتی به او اعطا خواهد شد. در اینجا یک رشته مسائل پدیدار می شوند: بدین ترتیب، تا آنجا که من آگاهم، در حال حاضر بیمه خارجی - داخلی از طریق مکاتبه در جامعه اروپائی فقط بر اساس قانون نظارت آلمان یعنی در یک حالت واقعی و کاملاً "مشخص وجود دارد. باید سؤال کرد که چه اختیارات قانونی در مورد سیاستهای بیمه اعمال خواهد شد که به موجب آن به اشخاص ثالثی که از حوزه حمایتی قانون شان خارج نشده اند حقوق قانونی بر علیه بیمه گر اعطا خواهد شد. آیا خریدار بیمه با انعقاد قرارداد بیمه، موقعیت قانونی خود را تضعیف می کند؟ مقررات قوانین ملی که تعهدات بیمه را وضع

چنین خواهد شد که بیمه‌گر مستقر بر بیمه‌گر غایب برتری خواهد داشت. در خصوص حرفه یکجا فروشی امید می‌رود که مجبور نباشیم در انتظار سقوط شرکتها و رسوایی‌های دیگر بمانیم تا این عقیده احیا شود که: به ویژه در مناطقی که اشخاص ثالث به‌طور مشترک تحت تأثیر سیاستهای بیمه خصوصی قرار دارند، نفع دارنده بیمه‌نامه در آزادسازی باید یکجا تسلیم منافع عمومی شود. نه تنها بیمه‌های اجباری باید در مدنظر قرار گیرند بلکه تعیین ذینفع در بیمه عمر و حوادث و سایر بیمه‌نامه‌ها با اثرات حمایتی به نفع اشخاص ثالث باید بررسی شوند. هدف از این سخنرانی که تحت توجهات انجمن ژنو ایراد شد بحثی آزاد و دوستانه درباره موضوع مورد علاقه سخنران و احتمالا "مورد توجه حضار او بود.

می‌کنند و تعداد آنها نیز بسیار است احتمالا" از سیاستهای بیمه خارجی - داخلی احتراز می‌کنند. سرانجام نظریه اساسی این است: (هنگامی که سند بیمه در نتیجه آگهی بیمه‌گر یا با شرکت واسطه‌های ملی منعقد شده است. هیچ نوع سیاست بیمه خارجی - داخلی مجاز نیست.

در حال حاضر بازار داخلی واحد به‌صورت آشکار به سرعت در حال توسعه است. در خصوص وقایع آتی، امکان ضعفی جهت پیش‌بینی نحوه اجرای حرفه عمده فروشی وجود دارد. سهم نسبتا "بیشتری از میزان بیمه صنعتی ملی به سایر کشورهای عضو منتقل خواهد شد. در اینجا جریان انتقال دو مسیر خواهد داشت. ممکن است فرض شود شرکت‌های بیمه‌ای که به عنوان بیمه‌گران صنعتی مشهور شده‌اند همچنان سهم عمده‌ای از بیمه ملی را حفظ‌کنند. به نظر من

پاورقی

- 1- Prof. E. H. Reimer Schmidt.
- 2- European Community (EC)
- 3- Zurcher Zeitung
- 7- Dr. Walter Diehl.
- 9- Take over
- 11- Pierre Moussa

۴- GATT (قرارداد عمومی تعرفه و تجارت)

۵- UNCTAD (کنفرانس سازمان ملل در مورد توسعه و تجارت)

۶- Anti-trust قانونی که جهت جلوگیری و از بین بردن انحصار، تراستها و ممنوعیت تجارت و غیره است.

۸- Co-Insurance در بیمه اموال، به نوعی از بیمه گفته میشود که براساس شرط مندرج در بیمه‌نامه، در صورت بروز خسارت، درصدی از کل مبلغ بیمه به بیمه‌گزار داده خواهد شد (معمولا " ۸۰ درصد) و بقیه توسط شخص بیمه‌گزار تعیین خواهد شد.

۱۰- منظور از دامپینگ: صدور کالا به کشور دیگر و فروش آن به بهای کمتر از بهای عادی بمنظور فلج کردن صنایع داخلی آن کشور.